

شهری شدن و تاثیر آن بر تغییر کاربری اراضی کشاورزی (نمونه مورد مطالعه شهر نقاب مرکز شهرستان جوین)

رحمت اله محمد خواه

کارشناس ارشد جغرافیا، شهردار نقاب، مرکز شهرستان جوین، خراسان رضوی، ایران.

نام نویسنده مسئول:

رحمت اله محمد خواه

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۰

چکیده

در طول چند دهه اخیر شاهد کاهش شمار روستاها بر اثر تبدیل شدن آنها به شهر و یا خالی از سکنه شدن به دلیل ادغام چند روستا در یکدیگر و یا به دنبال مهاجرت ساکنین روستا هستیم این تحولات نمایانگر تضعیف جایگاه روستاها و بروز چهره نوینی از نظام استقرار فضایی و توزیع جمعیت در نقاط مختلف کشور شده است. این واقعیت توجه جدی و عمیق به مسائل روستایی و ایجاد تعادل میان فضاهاى شهری و روستایی را لازم و اجتناب ناپذیر می‌سازد. با شهری شدن روستا اولاً فعالیت کشاورزی در مفهوم کلان آن به فعالیت‌های خدماتی و تا حدی صنعتی تغییر یافته و دوماً زمین‌های قابل کشت مجاور شهرها زیر پوشش ساختمان‌ها، تاسیسات شهری و راه‌های شهری قرار گرفته و عملاً از حیز انتفاع خارج می‌گردند. موضوع این تحقیق به سبب اهمیت کشاورزی و جایگاه آن در حفظ و توجه به روستاها انتخاب گردیده است در این نوشتار ناکار آمدی روند موجود در تبدیل روستا به شهر، افزایش تغییرات کاربری اراضی (خصوصاً اراضی زارعی و کشاورزی)، همچنین تغییر نوع اشتغال، افزایش مشاغل کاذب و از بین رفتن عملکرد سکونتگاه‌های روستایی با تبدیل روستاها به شهر، از جمله عوامل عمده چالش‌ها و ارمغان شهری شدن روستاها معرفی شده و با مطالعه تاثیرشهر شدن نقاب که ازتجمع شش روستای با فاصله است بعنوان نمونه موردی به روش توصیفی و تحلیلی بررسی لازم در خصوص اثبات چالش‌های مطرح شده انجام و راهکارهایی تقریباً عملی نیز ارائه گردیده است.

واژگان کلیدی: شهر- روستا، اراضی کشاورزی، شهر نقاب.

مقدمه

به رغم تفاوت‌های ماهوی در شکل و شیوه پویای شهرنشینی در مناطق مختلف ایران، هر ساله از طریق تبدیل تعدادی از روستاها به شهر، نسبت جمعیت شهرنشین افزایش می‌یابد. این روند، از اهداف و برنامه‌های دولت‌ها به شمار می‌رود، به همین خاطر، مکان‌هایی که شهر شناخته می‌شوند، حقوق قانونی ویژه‌ای، متناسب با سلسله مراتب شهری و نهادهای سیاسی و اداری به دست می‌آورند. ضمن آنکه، مناسبات متقابل و تنگاتنگ میان دولت و شهرها، به تدریج بر اهمیت سیاسی شهر افزوده و بنوعی آن را به پنجره سیاسی عملکردهای دولت تبدیل می‌نماید، از اینرو میزان کارایی دولتها ابتدا در شهرها بازتاب می‌یابد و تحولات در شهرها به گونه‌ای مستقیم دولت‌ها و حتی نظام‌های سیاسی را متأثر از خود میکند (راهنمایی، محمد تقی، ۱۳۸۳: ۲۹).

برخی مطالعات نیز مؤید کارکردهای بالقوه و بالفعل توسعه‌ای تبدیل مراکز روستایی به شهر می‌باشد. زیرا شهرهای کوچک روستایی با ایجاد فرصت‌های شغلی غیرزراعی و ارایه خدمات مورد نیاز، در کاهش مهاجرت روستاییان به شهرهای بزرگتر، نقش مؤثری ایفاء نموده و زمینه‌ی توزیع متعادل جمعیت، امکانات و سرمایه را فراهم می‌آورند (ضیاءتوانا، ۱۳۸۶: ۱۲۸).

اما شهری کردن روستاها پاسخ مناسبی برای ارتقاء و رشد این جوامع محسوب نمی‌گردد. تبدیل روستا به شهر بدون ایجاد بسترهای مناسب در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و زیربنایی علاوه بر افزایش هزینه‌های بخش عمومی به دلیل عدم توانایی ساکنان در کمک و تأمین هزینه‌ها سبب افزایش سطح توقع و انتظار ساکنان این سکونتگاه‌ها و تقویت باور تلاش در تبدیل روستا به شهر به منظور جذب حمایت‌های مالی و اعتباری دولتی جهت توسعه و عمران روستا می‌شود.

تبدیل روستا به شهر در مناطق حاصلخیزی همچون دشت جویین دگرگونی چشم‌انداز روستایی و تغییر کاربری اراضی کشاورزی را به دنبال داشته و بطور طبیعی، پیامدهای فضایی و اقتصادی مهمتری را در پی خواهد داشت. شکل طولی شهرستان جویین، موجب شده تا روستاهای متعددی با آرایش خطی در اطراف جاده اصلی سراسری شکل بگیرد بنابراین، تبدیل آنها به شهر نه تنها تحولات اجتماعی، اقتصادی و فضایی مهمی را در خود مراکز ایجاد میکند، بلکه حوزه‌ی نفوذ آنها نیز به شدت تحت تأثیر قرار می‌گیرند.

هدف این تحقیق پیدا کردن پاسخ برای این سؤال‌هاست:

- آیا رشد شهرها موجب افزایش نابودی اراضی کشاورزی و تخریب روستاها خواهد شد؟
- آیا شهری شدن کاهش اشتغال و درآمد بخش کشاورزی و افزایش مشاغل کاذب را بدنبال خواهد داشت؟
- آیا شهرهای ایجاد شده امروزی زمینه لازم برای پذیرش نقش اساسی و مثبت را دارند؟
- آیا شهری شدن روستاها بر فرم سکونتگاه‌های روستایی تأثیر خواهد داشت؟

اهمیت و کاربرد تحقیق

اهمیت این تحقیق را باید در اهمیت کشاورزی جستجو کرد موقعیت اقتصادی هر سرزمین، وابسته به کارکرد بخش‌های اقتصادی آن سرزمین (کشاورزی، صنعت و معدن و خدمات) است. این کارکرد در پرتو ترکیب بهینه قدرت تولیدی سرزمین شکل می‌گیرد. امکان آن وجود دارد که هر سرزمینی، در زمینه‌ای خاص، از قدرت تولیدی مناسب و پرتوان برخوردار باشد. لذا توجه به توان تولیدی و کارآکردن آن، زمینه‌های مناسبی را برای بهره‌وریهای اقتصادی به وجود می‌آورد.

نگرشی در کارکرد بخش‌های اقتصادی کشور، حاکی از موقعیت مناسب بخش کشاورزی در اقتصاد ایران است. زیرا کشاورزی توانسته است از نظر موارد ذیل موقعیت مطلوبتری را نسبت به سایر بخش‌های اقتصاد کسب نماید. (مطیعی لنگروی، سید حسن، ۱۳۸۴: ۸۲)

اشتغال‌زایی بخش کشاورزی در ایران

جمعیت ایران با رشد شدیدی در حال افزایش است. با توجه به اینکه در حال حاضر رشد سالیانه جمعیت در ایران حدود ۱/۵ درصد است، ولی هنوز این میزان از رشد جمعیت در مقایسه با بسیاری از کشورهای دنیا، بسیار زیاد است. زیرا تمامی کشورهای پیشرفته دنیا، دارای رشد سالانه جمعیت کمتر از ۱ درصد می‌باشند. چنین رشدی از جمعیت، نیاز به اشتغال را تشدید می‌نماید. (مطیعی لنگروی، سید حسن ۱۳۸۴: ۸۵)

سهم کشاورزی در تولید ناخالص ملی

در گذشته‌ای نه چندان دور، کشاورزی مهمترین بخش اقتصادی و تأمین کننده درآمد و ارزش افزوده برای کشور بوده است. در سال‌های اخیر نیز، این بخش توانسته است نقش پراهمیتی را در تأمین درآمد و تولید ناخالص داخلی داشته باشد. در حال حاضر بعد از بخش خدمات، کشاورزی بیشترین درآمد و تولید ناخالص داخلی را برای کشور فراهم می‌نماید.

تأمین نیازهای مصرفی جمعیت کشور

یکی از موارد عمده برای هر بخش اقتصاد، تأمین نیازهای جمعیت است. اگر هر یک از بخش‌های اقتصاد در این زمینه، دارای کارایی کافی باشند، تأمین کافی را برای سرزمین فراهم نموده و نیاز به خارج و وابستگی کشور را کاهش می‌دهند. در بین انواع بخش‌های اقتصاد، در این مورد کشاورزی از جایگاه ویژه برخوردار است. زیرا مهمترین نیازهای جمعیت، خوراک و مواد غذایی می‌باشد. در پرتو تغذیه کافی و لازم، جمعیت توان کاری و فکری بهتری را کسب نموده و قدرت بیشتری را در زمینه کار و تلاش دارا خواهد بود.

کسب پشتوانه ارزی برای کشور

هر کشوری برای تأمین نیازهای وارداتی خود، نیازمند به ارز است. کشورهای پیشرفته اقتصادی، برای پاسخگویی به واردات عظیم خود، صادرات عظیمی را نیز تدارک دیده‌اند. بنابراین، هدف در صادرات و واردات، کسب عملکرد مثبت می‌باشد. نگرشی در بخش‌های اقتصاد کشور، جلوه گر آن است که صادرات محصولات کشاورزی و فرش دستباف، قوی‌تر از سایر بخش‌ها قدرت تأمین ارز برای کشور را دارا می‌باشند. (مطیعی لنگروی، سید حسن ۱۳۸۴: ۸۵)

«بخش کشاورزی با وجود عقب ماندگیش هنوز سهم چشمگیری از درآمد ملی را به خود اختصاص می‌دهد و این بدان معناست که کشاورزی باید در تأمین بودجه لازم برای رشد شهری نیز سهمیم باشد. (مهندسان مشاور هلند، ۱۳۷۱: ۶۵)

پایه نظری تحقیق

موضوع مطالعه و بررسی شهرها یا نقاط شهری کوچک، در دنیای تحقیقات علمی شاید اولین بار با کار جانسون (۱۹۷۰) و بحث مراکز توسعه روستایی فانل (۱۹۷۶) آغاز گردید که جدیدترین موضوع در کار برنامه ریزی توسعه فضایی و منطقه ای بود (فنی، زهره، ۱۳۸۲: ۱۶). بررسی‌های به عمل آمده در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که شهرهای کوچک در توسعه اجتماعی-اقتصادی کشورهای آسیایی و آفریقایی و آمریکای لاتین اهمیت خاصی داشته‌اند به عنوان مثال تحلیل امر مهاجرت و الگوی اشتغال در ۲۲ شهر کوچک برزیل نشان می‌دهد که با فراهم شدن امکاناتی در شهرهای کوچک، توفیقی در مهاجرت‌های روستایی به وجود می‌آید. (شکویی، حسین، ۱۳۸۳: ۴۱۴) هیندیریک و تیتوس با مطالعه‌ای شهرهای کوچک در ۴ منطقه جاوه، مالی، سوزایلند و مکزیک، و ارتباط آنها با توسعه منطقه‌ای به این نتیجه می‌رسند که نباید به نقش مفید شهرهای کوچک در توسعه مناطق روستایی پیرامون آنها و نیز توسعه منطقه‌ای عمومیت داد. سطح و میزان توسعه منطقه پیرامونی این شهرها و شرایط سیاسی و اقتصادی حاکم نیز باید مورد توجه قرار گیرد. بنابر این شرایط منطقه‌ای در قابلیت ایفای نقش مفید توسعه‌ای توسط شهرهای کوچک بسیار مهم است اعتبار شهرهای کوچک و میانی در (UNCRD) مرکز توسعه منطقه ای سازمان ملل متحد کشورهای در حال توسعه را بیشتر در گرو سیاست‌های توسعه کشاورزی شامل پخشایش روش‌های افزایش بهره وری و برنامه‌های سرمایه گذاری در زیر ساخت‌های روستایی می‌داند.

بنابراین آنچه پیشنهاد می‌شود، فقط مدرنیزاسیون و تنوع بخشی خود کشاورزی نیست، بلکه شروع فرآیند صنعتی شدن که بطور ارگانیک با توسعه کشاورزی پیوند خورده است باید مدنظر باشد در ایران با شکست سیاست قطب رشد و تبعات منفی ناشی از آن، بعد از جنگ، سیاست کلی به سمت سیاست توسعه روستا شهری به خصوص راهبرد یوفرد حرکت نمود. این راهبرد که مبنای آن عدم تمرکز سرمایه گذاری‌ها در سکونتگاه‌های انسانی با تأکید بر استراتژی توسعه برمحور شهری در تأمین حداقل شرایط برای مردم روستایی که آنها را قادر می‌سازد تا جوامع این راهبرد در روستایی خود را به توسعه اجتماعی - اقتصادی برسانند ایران به شکل تبدیل روستاهای بزرگ به شهرهای کوچک در جهت خارج نمودن روستاها از انزوای جغرافیایی و تحقق تعادل‌های ناحیه‌ای نمود پیدا کرد. (سرای، محمد حسین، ۱۳۸۶: ۱۶۵)

پیشینه تحقیق

در سال ۱۳۶۵ اصغر نظریان در مقاله سیر تحول روابط شهر و روستا در ایران در مورد شهر و تأثیر آن بر حوزه‌های کشاورزی اینگونه نتیجه‌گیری می‌کند. شهرها، همه روستاها و حوزه‌های کشاورزی اطراف خود را کنترل می‌کنند و گاهی این اثر تا بدان حد می‌رسد که ساختمان اقتصادی و مورفولوژی همه مراکز جمعیت زیر نفوذ عوامل شهری قرار می‌گیرد. (نظریان، علی اصغر، ۱۳۶۵: ۲۶۹) زنده یاد حسین شکویی در کتاب دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری در برخورد شهر با زمین‌های کشاورزی اینگونه نوشته است در کشورهای جهان سوم، سوداگری زمین و زمین خواری، تأثیرات نابود کننده‌ای در روستاها و زمین‌های کشاورزی دارد و این امر، در نتیجه توسعه بالقوه شهری و عدم کنترل از طرف دولت‌ها و سازمان‌های مسئول حاصل می‌شود در روند توسعه شهری، نیروهای فشار شهری بسیار قوی می‌نماید؛ در نتیجه کشاورزان مالک زمین به سوداگری زمین می‌پردازند و از سرمایه‌گذاری روی زمین‌های خود پرهیز می‌کنند و زمین را تنها برای فروش آماده نگه می‌دارند؛ در حالی که در صورت توقف سوداگری زمین، کشاورزان حتی زمین‌های کم حاصل خود را به زیر کشت می‌برند. (شکویی، حسین، ۱۳۸۳: ۲۹۱)

ماکس درئو مؤلف کتاب جغرافیای انسانی در مبحث شهری شدن روستاها می‌گوید: فضای روستایی به شیوه‌های گوناگون می‌تواند رو به شهری شدن بگذارد از جمله بصورت خطی و یا ساختن ویلاهایی در طول جاده‌ای برخوردار از لوله‌های آب آشامیدنی و خطوط برق یا احداث محله‌های جدید التأسيس و با ساختن دهکده‌های مجهز به امکانات زندگی شهری. پدیده شهری شدن روستایی می‌تواند از ترکیب اقامتگاههای ثانوی از واجه‌های جهانگردی، از سکونتگاههای اصلی برای کارگرانی که به مهاجرت‌های روزانه میان محل اقامت و محل کار خود دست می‌زنند به وجود آید. (ماکس، درئو، ۱۳۷۴: ۵۴۸)

اولیویه دولفوس در کتاب فضای جغرافیایی در مبحث فضای روستایی و فضای شهری اینگونه می‌نویسد (پدیده شهرنشینی همراه با اشاعه کاربرد تجهیزات فنی و رواج شیوه‌ای معرف شهری، نواحی روستایی را نیز عرصه‌ای تأثیر پذیری خود کرده است تا آنجا که روستاها نیز به ناگزیر در شرایط زیست خود دگرگونی‌های عمیقی ایجاد کرده‌اند. (الیویه، دولفوس، ۱۳۷۳: ۹۲)

دکتر عیسی ابراهیم زاده در مقاله اش تحت عنوان شهرنشینی شتابان: روندها و پیامدها، معتقد است شهرهای کنونی نه شهرهای دیروزند با همان ویژگیهای زمانی و سرزمینی ویژه شان، نه شهرهای تازه همخوان با اصول و مبانی و ضوابط شهرسازی امروز. در واقع بسیاری از شهرها در کشورهای رو به توسعه و ایران نه به گونه سنجیده شکل گرفته، رشد کرده و گسترش یافته اند، نه با برنامه و نظامی اصولی به سوی آینده رهسپارند؛ در عمل، بر پیکر شهرهای کهن و با ارزش ما، وصله‌های ناجور بسیاری چسبانده شده است به گونه ای که هر تازه واردی در نگاه نخست این ناهمگونی و زشتی در سیمای شهر را می‌بیند. (ابراهیم زاده، عیسی، ۱۳۸۶: ۲۳۷)

آقای دکتر حسین آسایش- استاد دانشگاه در مقاله مفهوم شهر و روستا، معتقد است در همه کشورهای در حال توسعه همه امکانات در مناطق شهری جمع شده اند و همین مساله سبب بروز تفاوت‌های فاحش بین این دو ناحیه شده است. جامعه ای که روستایی فقیر خود را به هر عنوان فراموش کند و آن را رها سازد در حقیقت خود را از یک منبع بسیار مهم توسعه محروم می‌کند. (آسایش، حسین، ۱۳۸۶: ۴۶)

مهدی طاهر خانی مطالعه روابط متقابل شهر و روستا و نقش آن در تغییرات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نواحی روستایی (نمونه موردی، شهرستان هریس) معتقد است گرچه نقش شهرها با فعالیت‌های صنعتی آنها و نقش روستاها با فعالیت‌های کشاورزی آنها مشخص می‌شوند، با وجود این همیشه پیرامون شهرها را مزارع کشاورزی و باغ‌ها احاطه کرده‌اند. تاریخ نیز نشان می‌دهد که اکثر شهرهای ایران منشأ روستایی دارند. (طاهر خانی، مهدی، ۱۳۷۸: ۶۷)

مهران علی الحسابی، شهر، روستا، تضاد یا تفاهم؟ می‌نویسد: روند جهانی رو به رشد شهرنشینی در یکی دو قرن گذشته نمایانگر تضعیف جایگاه روستاها و بروز چهره نوینی از نظام استقرار فضایی و توزیع جمعیت در نقاط مختلف جهان بوده است. اینکه روستانشینی سیری رو به اضمحلال را طی می‌کند و یا قوام یافتن نهضت سبز، ارتقاء دوباره فضاهای روستایی را به دنبال خواهد داشت از دیدگاه نظری قابل تأمل می‌باشد. (علی الحسابی، مهران، ۱۳۸۵: ۹۵)

تحولات شهرنشینی در ایران

تا قبل از سال ۱۳۰۰ شمسی ۸۷ درصد جمعیت ایران در مناطق غیرشهری زندگی می کردند که نیمی از آن روستایی و نیم دیگر را کوچ نشینان و عشایر تشکیل می دادند. در سال ۱۳۰۴ حدود ۲/۵ میلیون ایرانی در شهرها و ۹/۳ میلیون نفر در نواحی روستایی^۱ زندگی می کردند. گرچه شمار این جمعیت تا سال ۱۳۱۳ در مجموع به ۱۳/۳ میلیون نفر افزایش یافت، اما نسبت جمعیت شهری و روستایی بدون تغییر باقی ماند که خود نشان می داد، طی این دوره مهاجرت قابل توجهی از روستاها به شهرها وجود نداشته است.

پس از وقایع شهریور ۱۳۲۰، نرخ رشد جمعیت شهری به نحو چشمگیری افزایش یافت که خبر از آغاز مهاجرت از روستاها به مراکز شهری می داد. سیاستهای توسعه حکومتی، فرصت‌های شغلی تازه ناشی از فعالیت‌های نوپای صنعتی و نیز بهبود شرایط درمانی و بهداشت عمومی و افزایش نرخ موالید از عوامل اصلی این تغییر بود. (اهلرس، اکارت، ۱۳۸۰: ۵۶) به طوری که تا سال ۱۳۳۵، یعنی در زمان اولین سرشماری رسمی و عمومی کشور، از قریب ۱۹ میلیون نفر جمعیت کشور حدود ۳۲ درصد در نقاط شهری و بقیه که حدود ۱۳ میلیون نفر بودند در روستاها زندگی می کردند. از این زمان به بعد تحولات عمیق ایجاد شده در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، نسبت جمعیت شهری و روستایی را نیز با شدت و سرعت شگرفی دستخوش تغییر ساخت و ایران نیز همانند بسیاری از کشورهای جهان به سوی گسترش شهرنشینی و تسریع روند مهاجرت‌های روستایی پیش رفت. به صورتی که در دهه ۶۰ برای نخستین بار در تاریخ ایران، تعداد جمعیت شهری بر جمعیت روستایی فزونی گرفت و در آخرین سرشماری عمومی کشور در سال ۱۳۷۵ سهم جمعیت روستایی تا حدود ۳۷ درصد کل جمعیت کاهش یافت. نکته جالب توجه در این آمار آن است که در برابر حدود ۹/۵ میلیون نفر افزایش جمعیت شهری در فاصله ده ساله ۷۵-۶۵ جمعیت روستاهای کشور تنها حدود ۳۰۰ هزار نفر افزایش یافته است. علی رغم آنکه سهم جمعیت شهرنشین کشور در مقایسه با جمعیت روستایی دائماً در حال فزونی است، هنوز هم قسمت قابل توجهی از جمعیت، یعنی حدود ۳۸ درصد، در بیش از ۶۵۰۰۰ نقطه روستایی زندگی می کنند. با وجود نشیب و فرازهای بسیار در گذشته، هنوز هم بخش عظیمی از جمعیت کشور در فعالیت‌هایی که به طور سنتی در عرصه‌های روستایی انجام می شوند اشتغال دارند و بدین ترتیب فضاهای روستایی کمابیش نقش و اعتبار ویژه خود را در مجموعه حیات اقتصادی کشور حفظ نموده اند. از این گذشته مجموع شهرهای کشور که در سال ۱۳۷۵ حدود ۶۱۲ نقطه بوده اند، سطحی کمتر از ده درصد مساحت کشور را اشغال کرده اند. با احتساب مساحت نقاط غیر مسکون که بیش از ۳۰ درصد مساحت کشور را به خود اختصاص داده اند، حدود ۶۰ درصد از سطح کشور در اشغال و تحت اختیار نقاط و عرصه‌های روستایی است. چنانچه در میان نقاط شهری نیز که بیش از ۶۲ درصد از جمعیت کشور را در خود جای داده‌اند، بررسی عمیقتری صورت گرفته و از ورای آمار و ارقام، ماهیت، عملکرد و چهره این نقاط به نقد کشیده شود، تصویر متفاوتی از توزیع جمعیت شهری و روستایی کشور در پیش رو قرار خواهد گرفت. در واقع اگر معیارها و ملاک‌های دقیق‌تری چون عرصه کار و فعالیت، معیشت و سیستم‌های اقتصادی و حتی سیمای ظاهری و کالبد سکونت‌گاه‌ها نیز به تعاریف خشک آماری افزوده شود، بخش عظیمی از سکونت‌گاه‌های بظاهر شهری نیز در زمره نقاط روستایی قرار می گیرند که ساکنان آنها بیشتر از طریق کشاورزی و فعالیت‌های وابسته به آن امرار معاش می کنند و سهم بخش‌های صنعت و خدمات در آنها ناچیز است. (ازکیا، مصطفی ۱۳۷۰: ۱۵۲) بافت و ساختار کالبدی و سیمای بسیاری از شهرها نیز حاکی از ماهیت و پیشینه روستایی آنان دارد.

در واقع بخش اعظم سکونت‌گاه‌هایی که در ۵۰ سال اخیر به نقاط شهری مبدل شده‌اند،^۲ آمنشاه روستایی داشته‌اند. این امر گویای آن است که طی این مدت بیش از ۶۰۰ روستا با قابلیت نسبی و برخورداری مناسب از منابع آب و خاک و جمعیت قابل توجه به شهر تبدیل گردیده‌اند.

^۱ - جمعیت نواحی روستایی در این گزارش، جمعیت عشایر و جمعیت نیمه ساکن را نیز شامل می شود.

^۲ - در فاصله سال ۱۳۳۵ تا سال ۱۳۷۵ تعداد شهرهای کشور از ۱۹۹ نقطه به ۶۱۲ نقطه افزایش یافته است و تعداد نقاط شهری کشور در حال حاضر به بیش از ۹۰۰ نقطه بالغ می گردد.

متأسفانه با وجود آنکه همواره جمعیت به عنوان مهمترین ملاک تبدیل روستا به شهر مورد استفاده قرار گرفته^۳ اما این شاخص نیز بطور جدی در تعریف سیاسی نقاط اعمال نگردیده است. در سال ۱۳۷۵ حدود ۳۷ درصد از کانون‌های شهری (۲۲۸ شهر) کمتر از ده هزار نفر جمعیت داشته‌اند. ۱۳/۳ درصد از شهرهای کشور دارای جمعیتی کمتر از ۵ هزار نفر بوده‌اند. مهمتر آنکه ۱۲ شهر کشور در این سال حتی جمعیتی کمتر از ۲۰۰۰ نفر داشته‌اند. واضح است که ملاک‌های دیگری غیر از شاخص جمعیت و شرایط

لازم، در تبدیل و ارتقاء این نقاط روستایی به شهر مؤثر بوده‌اند. (زنجانی، حبیب اله، ۱۳۷۰: ۸۱)

جدول (۱) تعداد و نرخ رشد شهرهای کشور به تفکیک سال

سال	تعداد شهرها	نرخ رشد تعداد شهرها
۱۳۳۵	۱۹۹	-
۱۳۴۵	۲۷۲	۴۶/۷
۱۳۵۵	۳۷۳	۳۷/۱
۱۳۶۵	۴۹۶	۲۳/۰
۱۳۷۵	۶۱۲	۲۳/۴
۱۳۸۵	۱۰۱۶	۶۶/۰

منبع: مرکز آمار ایران مربوط به سرشماری سالهای فوق

نگاهی بر تجارب کشورهای جهان

در ارتباط با توسعه فضایی و کالبدی شهرها، کشورهای شمال و جنوب، روندهای متفاوتی را تجربه نموده‌اند، در زمانی که بهترین زمین‌های کشاورزی کشورهای در حال توسعه، زیر پوشش توسعه شهری، ساختمان‌ها و تجهیزات شهری قرار می‌گرفت، در کشورهای توسعه یافته اروپا و آمریکای شمالی، بهترین و وسیعترین زمین‌های نواحی مادر شهری به بخش کشاورزی اختصاص یافت و بیشترین زمین‌ها در طرح‌های دولتی با عنوان طرح کاربری زمین‌های ملی مورد حفاظت قرار گرفت. بطوری‌که در سال ۲۰۰۰ در ایالات متحده، تقریباً ۴ درصد زمین‌ها زیر پوشش شهرنشینی قرار داشت و توسعه شهرنشینی و شهرگرایی به تخریب زمین‌های کشاورزی منجر نگردید. در دیگر کشورهای توسعه یافته نیز، تقریباً ۶۴ درصد زمین‌ها به بخش کشاورزی و تنها ۶ درصد آن به بخش شهری اختصاص یافته است. (شکویی، حسین، ۱۳۸۳: ۲۹۱) در این کشورها پس از دوره‌های دهه ی ۱۹۳۰ که بخشی از زمین‌های کشاورزی به اشغال حومه‌ها درآمد عواملی همچون بالارفتن درآمدهای حاصل از کشاورزی، پایین آمدن میزان زاد و ولد، اجرای قوانین محیط زیست و تدوین برنامه ریزی‌های ناحیه‌ای، استفاده از زمین‌های کشاورزی را در شهرگرایی و شهرنشینی محدود ساخت. (ضیاءتوانا، ۱۳۸۶: ۱۲۷)

قلمرو تحقیق

قلمرو موضوعی

با توجه به عنوان تحقیق قلمرو موضوعی این تحقیق نواحی روستایی است که تبدیل به شهر شده‌اند و تحولات و دگرگونی‌های کالبدی- اقتصادی در آنها رخ داده است.

قلمرو مکانی

شهر نقاب در مختصات جغرافیایی ۵۷ درجه و ۲۳ دقیقه طول شرقی و ۳۶ درجه و ۳۵ دقیقه عرض شمالی از نصف النهار مبدا (گرینویچ لندن) و ارتفاعی بین ۱۰۶۶ و ۱۰۷۹ متر (بالا ترین و پایین ترین نقطه ارتفاعی شهر) از سطح آب‌های آزاد، در پهنه ای حدود ۷۰۰ هکتار بعنوان مرکز شهرستان جوین این شهرستان یکی از حاصلخیزترین دشت‌های استان خراسان رضوی است

^۳ بر اساس تقسیمات کشوری، دارا بودن حداقل ۱۰ هزار نفر جمعیت از شاخص‌های اصلی تعریف شهر است.

که به علت واقع شدن بین ارتفاعات آلاداغ در شمال و کوه‌های جغتای در جنوب از موقعیت ویژه‌ای برخوردار است و از نظر آب و هوا، کشاورزی، اقتصاد و غیره از دیگر شهرستان‌های اطراف متمایز گردیده است و دارای بهترین سفره‌های آب زیر زمینی به لحاظ کمی و کیفی و نیز خاک آبرفتی مناسب جهت کشاورزی بوده و اقتصاد غالب شهرستان نیز بر پایه کشاورزی بنا گردیده است. فاصله‌ی شهر نقاب تا مرکز استان خراسان رضوی (مشهد) حدوداً ۳۰۳ کیلومتر می‌باشد. حدود شهر نقاب از شمال به بخش مرکزی و ارتفاعات اسفراین، از جنوب به دهستان پیراکوه، از شرق به دهستان حکم آباد و از غرب به اراضی شهرستان جغتای محدود می‌شود.

شهر نقاب در آذر ماه ۱۳۷۳ موجودیت شهری خود را از الحاق و ادغام چند روستای مجاور و نزدیک به نامهای کلاته آقامحمد، نقاب، ملایجرد، سردارآباد، شمس آباد و قدر آباد یافته و سابقه شهری چندانی ندارد برای یافتن هسته اولیه شهر باید بدنبال هسته‌های اولیه روستاهای که این مجموعه را تشکیل داده‌اند باشیم.

۶ روستای یاد شده پس از تسلیم و تخریب آق قلعه (تنها اثر تاریخی شهر) در اطراف این قلعه بنیان گذاری شده است و هر کدام جداگانه دارای یک هسته هستند. هسته‌های اولیه این روستاها، بجز روستای کلاته آقامحمد، همه در سمت شمال جاده اصلی (بلوار امام رضا (ع)) شکل یافته‌اند. سمت توسعه و رشد روستاهای مذکور به سمت جنوب بوده و در حال حاضر بخش جدید و نوساز شهر مزید بر این علت، در قسمت جنوب دیده می‌شود. بهر حال اگر با دید کلی به شهر بنگریم، روستای نقاب بدلیل ایفای نقش مرکزیت بخش مرکزی جوین و دهستان مرکزی جوین هسته اولیه و اصلی شهر نقاب محسوب می‌گردد. گواه این امر چگونگی توزیع خدمات و امکانات شهریست که اکثراً در روستای نقاب قدیم چینش شده است. استوار بودن اقتصاد (شهر) بر فعالیتهای کشاورزی و سابقه آن از نظر کشاورزی موجب شده تا در اطراف جاده اصلی شهر نقاب مغازه‌های زیادی به شکل انبار غله، باربری‌ها، باسکول‌ها، و همچنین تعمیرگاه‌های وسایل موتوری کشاورزی سنگین ساخته شود که دلیل دیگری بر این مدعاست. (اساس شهر شرق، مشاور ۱۳۸۸: ۹۵)

فرضیه‌ها

فرضیه چراغی است در مسیر مبهم و تاریک پژوهش. (بیابانگرد، اسماعیل، ۱۳۸۲: ۱۸) در این پژوهش و تحقیق فرضیه‌ها به شرح ذیل بیان می‌گردد:

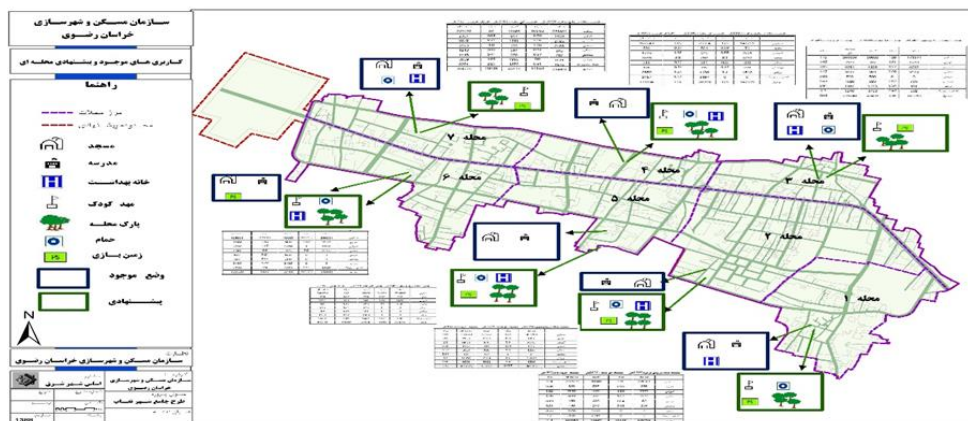
- ۱- شهری شدن روستاها باعث تغییرات در کاربری اراضی و به تبع آن افزایش قیمت زمین می‌شود.
- ۲- تغییر کاربری اراضی کشاورزی با تبدیل شدن روستا به شهر افزایش می‌یابد.
- ۳- با شهری شدن روستاها جهت اشتغال از بخش کشاورزی به بخش خدمات تغییر می‌یابد.
- ۴- شهری شدن روستاها فرم و کارکردهای سکونتگاه‌های روستایی را تغییر می‌دهد.

اثبات فرضیه‌ها

فرضیه اول

شهری شدن روستاها باعث تغییرات متنوعی در کاربری اراضی و به تبع آن افزایش قیمت زمین می‌شود. با تبدیل روستا به شهر انواع کاربری‌های شهری در طرحهایی که تهیه می‌شود خودنمای می‌کند در بررسی طرح هادی شهر نقاب مشخص می‌شود نحوه استقرار کاربری اراضی در شهر بر مبنای اصل همجواری کاربری‌ها و معابر همسنگ تعیین می‌شود. در این اصل کاربری‌ها و معابر شهر هر کدام دارای سیستم و سلسله مراتبی هستند که از خصوصی‌ترین عنصر آغاز و به عناصر عمومی (شهری) منتهی می‌شود. در این سلسله مراتب واحد مسکونی به عنوان خصوصی‌ترین عنصر محسوب شده و سپس سایر کاربری‌ها که از عمومیتی نسبی برخوردارند. به ترتیب در گروه خدمات محله ای، ناحیه‌ای و شهری قرار می‌گیرند. در تعیین کاربری‌های سطح شهر علاوه بر مبنا قراردادن جمعیت شهر و محاسبه سرانه برای آن بایستی تاثیر جمعیت ساکن در حوزه نفوذ شهر نیز مد نظر باشد.

نقشه شماره (۱) محله بندی و تنوع کاربری ها را در سطح شهر نقاب نمایش می دهد



نحوه استفاده از اراضی شهر:

براساس محاسبات انجام شده در سال ۱۳۸۸ سطح کل شهر نقاب در محدوده مورد محاسبه (نقشه ۱) حدود ۶۱۰ هکتار است از این مقدار حدود ۱۷۱ هکتار به کاربری مسکونی، ۹۶ هکتار به شبکه معابر و ۷۲ هکتار به اراضی بایر و ۱۸۵ هکتار به اراضی زراعی و ۸۶ هکتار به سایر کاربری های مورد نیاز شهر اختصاص دارد. لذا با توجه به شواهد مذکور قسمت اول فرضیه (تنوع در کاربریها) اثبات می گردد.

فرضیه دوم

تغییر کاربری اراضی کشاورزی با تبدیل شدن روستا به شهر افزایش می یابد.

تغییر کاربری اراضی کشاورزی با تبدیل شدن روستا به شهر افزایش می یابد. نقشه شهر نقاب روند تغییر کاربری اراضی کشاورزی شهر نقاب با توسعه شهر مطالعاتی که از مقایسه نقشه های موجود در شهرداری نقاب بین سال های ۱۳۸۵ تا ۱۳۴۱ صورت گرفته و محاسبات سطح و درصد تغییر کاربری های منطقه برابر اطلاعات نقشه طی سنوات یاد شده بیش از ۳۵۶ هکتار می باشد که این روند حاکی از آن است که شهر نقاب توسعه فیزیکی و کالبدی فزاینده ای یافته است که معمولاً با تخریب اراضی حاصل خیز کشاورزی و باغ های شهر همراه است. همچنین در جدول شماره (۱) کاربری های وضع موجود شهر برابر طرح جامع شهر نقاب که در سال ۱۳۸۸ تهیه گردیده مساحت محدوده قانونی شهر ۶۱۰ هکتار مصوب شده که در این محدوده حدود ۱۸۵ هکتار کاربری زراعی تعریف شده ولی عملاً بدلیل ذیل عمده این اراضی از حیز ارتفاع ساقط شده است:

- ۱- اراضی داخل شهر حتی اراضی مزروعی تحت تاثیر بورس بازی زمین به قطعات کوچک تبدیل شده است و اکثر خریداران کشاورز نبوده و صرفاً برای افزایش قیمت اراضی در آینده خریداری کرده اند.
- ۲- استفاده از کشاورزی مکانیزه و همچنین انتقال آب کشاورزی به بافت داخل شهر برای استفاده اراضی کشاورزی پرهزینه و مشکل است. بنابراین فرضیه دوم قابل اثبات می باشد.

فرضیه سوم

با شهری شدن روستاها جهت اشتغال از بخش کشاورزی به بخش خدمات تغییر می یابد.

در سال ۱۳۷۵ کل شاغلین شهر نقاب در سه بخش عمده اقتصادی به نامهای صنعت، کشاورزی و خدمات مشغول فعالیت و کسب درآمد بوده اند. در سال یاد شده از کل جمعیت شاغل شهر تعداد ۵۰۳ نفر معادل ۲۴/۰۹ درصد کل شاغلین در بخش صنعت، ۱۰۰۰ نفر برابر با ۴۷/۸۹ درصد در بخش کشاورزی و ۵۸۵ نفر معادل ۲۸/۰۲ درصد در بخش خدمات اشتغال داشته اند. همچنین تعداد شاغلین بخش های اقتصادی سه گانه (صنعت، کشاورزی و خدمات) شهر نقاب در سال ۱۳۸۵ به ترتیب ۶۲۲ نفر،

۱۳۵۰ نفر و ۱۵۶۴ نفر گزارش شده که سهمی معادل ۱۷/۵۹ درصد، ۳۸/۱۸ درصد و ۴۴/۲۳ درصد از کل شاغلین شهر را به خود اختصاص داده‌اند.

سهم شاغلین بخش کشاورزی از کل شاغلین شهر نقاب از ۴۷/۸۹ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۳۸/۱۸ درصد در سال ۱۳۸۵ رسیده و سهم شاغلین بخش صنعت نیز از ۲۴/۰۹ درصد به ۱۷/۵۹ درصد در سال ۱۳۸۵ تنزل یافته است. در عوض سهم شاغلین بخش خدمات از ۲۸/۰۲ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۴۴/۲۳ درصد در سال ۱۳۸۵ بالغ شده که طی دهه مورد بررسی نقش خدماتی شهر نقاب به عنوان نقش غالب اقتصادی نمایان شده است.

نمودار شماره (۱) سهم شاغلین شهر نقاب

عنوان	بخش کشاورزی	بخش صنعت	بخش خدمات
سال ۱۳۷۵	۴۷/۸۹	۲۴/۰۹	۲۸/۰۲
سال ۱۳۸۵	۳۸/۱۸	۱۷/۵۹	۴۴/۲۳
تفاوت	-۹/۷۱	-۶/۵۰	۱۶/۲۱

طی دوره ۱۰ ساله مورد بحث تعداد ۱۴۴۸ نفر شاغل به بخش‌های مختلف اقتصادی شهر نقاب اضافه شده که در بخش کشاورزی ۳۵۰ نفر مشغول بکار شده‌اند و نرخ اشتغال‌زایی این بخش طی دهه مذکور ۲۴/۱۷ درصد بوده است. در بخش صنعت نیز ۱۱۹ نفر مشغول به کار شده‌اند که نرخ اشتغال‌زایی این بخش ۸/۲۲ درصد محاسبه می‌شود. همچنین تعداد ۹۷۹ نفر نیز در بخش خدمات مشغول بکار شده‌اند و نرخ اشتغال‌زایی این بخش ۶۷/۶۱ برآورد می‌گردد.

براساس اطلاعات و آمار موجود و مطالعه روند رشد تعداد شاغلین بخش‌های مختلف اقتصادی شهر نقاب، مشاهده می‌گردد که طی یک دوره ۱۰ ساله (۸۵-۱۳۷۵) ترکیب گروه‌های اصلی فعالیت در این شهر تغییرات زیادی داشته است. در این دوره نسبت اشتغال بخش خدمات به زیان بخش‌های کشاورزی و صنعت گسترش یافته است. در جدول ذیل نسبت اشتغال بخش‌های مختلف اقتصادی شهر نقاب در دو دوره سرشماری عمومی نفوس و مسکن و تفاوت آنها درج شده که می‌توان تغییر ساختار اقتصادی شهر و همچنین اثبات فرضیه فوق را مدعی شد.

طی دهه ۸۵-۱۳۷۵ بسیاری از کارکنان بخش صنعت و کشاورزی جذب امور خدماتی شده. همچنین بسیاری از اراضی کشاورزی داخل محدوده در این دهه به شکل بایر رها شده و جوانان این شهر بدلیل سختی فعالیت‌های کشاورزی، علاقه‌ای به انجام آن نداشته و این دلیلی بر افت تعداد شاغلین در این گروه اقتصادی می‌باشد. از دیگر عوامل دخیل در کاهش فعالیت این دو گروه می‌توان به رشد سرسام آور قیمت اراضی شهر مورد مطالعه در دهه مورد بحث اشاره نمود که بسیاری از ساکنین شهر را به سوی کسب درآمد بدون کار کشانده است.

طی دهه گذشته جمعاً تعداد ۱۴۴۸ نفر به شاغلین شهر نقاب افزوده شده است. بررسی چگونگی پخشایش این تعداد در گروه‌های اصلی فعالیت نشان می‌دهد که این افزایش با تعداد ۹۷۹ نفر برای بخش خدمات، ۳۵۰ نفر برای بخش کشاورزی و ۱۱۹ نفر برای بخش صنعت صورت گرفته که وزنه را به سوی گروه خدمات سنگین می‌کند. شهر نقاب بدلیل قرار گیری در منطقه‌ای حاصلخیز که آبادی‌های بسیاری در آن واقع شده، به عنوان تنها مرکز سیاسی و اداری منطقه مطرح بوده و تعدادی از ادارات و مراکز بهداشتی و آموزشی برتر در آن فعالیت دارند. این مسئله در شهر مورد مطالعه باعث رونق مشاغل وابسته به بخش خدمات شده و جریان یک سویه ورود درآمد از خارج به داخل شهر را برقرار ساخته است.

فرضیه چهارم

شهری شدن روستاها فرم و کارکردهای سکونتگاه‌های روستایی را تغییر می‌دهد
کارکرد سکونتی روستا با کارکرد سکونتی شهر تفاوت‌های هم از نظر روابط بین گروهی و هم از نظر اقتصادی دارد. یک سکونتگاه روستایی برخلاف سکونتگاه شهری فقط سرپناهی مطمئن برای استراحت روستائیان نیست بلکه کارکرد اقتصادی-

تولیدی یکی از مهمترین کارکردهای آن است. فضاهای کارگاهی و تدارکاتی خانه‌های روستایی ممکن است به فعالیت‌های گوناگون بخش کشاورزی - دامداری، صنعت، خدمات اختصاص داده شود این امر نه تنها در تعیین کارکرد بلکه در شکل ظاهری واحدهای مسکونی روستایی نیز نقش مهمی دارد در شهر نقاب که مسکن و سکونتگاه‌های قبل از شهر شدن از نوع سکونتگاه‌های زراعی بوده شهر شدن این روستا باعث تحت تاثیر قرارگرفتن کارکرد این سکونتگاه‌ها گردیده است با تبدیل روستاها به شهر علاوه براینکه بدلیل افزایش قیمت اراضی، ضوابط موجود در طرحهای شهری و هزینه بالای صدور پروانه ساخت، مساحت اختصاص داده شده به حیاط‌های مسکونی کم می‌شود و ساخت وسازها گاه افقی رشد می‌کند بلکه الزامی شدن حاکمیت قانون شهرداری‌ها و همچنین سایر قوانین از جمله قانون مدنی در خصوص جلوگیری از الودگی‌های بهداشت محیط عرصه را برای کشاورزان دامدار تنگ نموده بطوریکه اجبارا بایستی احشام خود را فروخته و تغییر شغل دهند براساس اطلاعات اخذ شده از شهرداری مساحت متوسط و فرم ساخت وسازهای شهر نقاب بشرح جدول ذیل آورده شده که حاکی از اثبات فرضیه مذکور است

جدول شماره (۲) متوسط مساحت و تعداد طبقات ساختمانهای مسکونی شهر نقاب در سالهای ۱۳۸۸-۱۳۷۵

مساحت متوسط سال ۱۳۷۵	تعداد واحد بیش از یک طبقه ۱۳۷۵	مساحت متوسط سال ۱۳۸۸	تعداد واحد بیش از یک طبقه ۱۳۸۸
۸۰۰ مترمربع	۱۰ واحد	۲۲۰ متر مربع	۶۰ واحد

منبع: واحد شهرسازی شهرداری نقاب

ارائه راهکارها

- ۱- اجتناب جدی از رویه تجمع چند روستا به منظور دست یافتن به حدنصاب جمعیت شهر شدن و متعاقب آن ایجاد نقطه شهری جدید و تقویت و حمایت مدیریت روستایی و شناختن دهیارها بعنوان دستگاه اجرایی و رتبه بندی دهیارها با هدف ایجاد زمینه ارائه خدمات و امکانات ضروری در قالب روستا بدون شهری کردن روستاها.
- ۲- بازنگری در قانون تقسیمات کشور بارویکرد توجه ویژه به بخش کشاورزی تغییر در ملاکهای شهری کردن روستاها.
- ۳- توجه ویژه به اراضی کشاورزی در زمان تهیه و اجرای طرحهای شهری از طریق جهت دادن سمت و سوی توسعه شهری به سمت اراضی نامرغوب و حرکت به سمت توسعه عمودی تا توسعه افقی در شهرها.
- ۴- بهره گیری از مدل باغ- شهرها، از این طریق می توان مصالحه ای بین فضاها و کارکردهای شهری و روستایی ایجاد نمود، به گونه ای که ضمن حفظ اراضی کشاورزی و فضاهای طبیعی، سکونتگاه‌های روستایی پراکنده را نیز از خدمات و امکانات زیربنایی و روبنایی شهری برخوردار نموده و در نهایت به یکپارچگی ساختاری - عملکردی رسانید.
- ۵- استفاده از شهرهای جدید یا برنامه ریزی شده و متناسب با نیاز واقعی جامعه جهت تامین هدف جلوگیری از توسعه بی‌رویه شهرها و استفاده از اراضی غیر زراعی و جلوگیری از تخریب اراضی کشاورزی.
- ۶- توجه به ارزش‌های روستا، جوامع روستایی، دارای نقاط قوتی هستند که در محیط‌های شهری کمتر می‌توان سراغی از آنها گرفت. این نقاط قوت در سال‌های اخیر با حاکم شدن تدریجی ارزش‌هایی شهری بر جوامع روستایی کمرنگ شده و به مرور در حال فراموشی هستند. بنابراین باید اهتمام لازم را نسبت به مستند سازی این ارزش‌ها و بهره گیری از آنها به عنوان منبعی با ارزش جهت رونق بیشتر روستاها و از آن مهمتر به منظور ترمیم مشکلات مبتلا به شهرها استفاده نمود.
- ۷- توجه به مدنیت روستا، اغلب ما شهرنشینان در مقام توصیف اشخاصی که اصول و موازین زندگی امروزی در شهر را رعایت نمی نمایند، ازوصف «دهاتی» استفاده می کنیم و با این عبارت می خواهیم، میزان به دور بودن فرد از درک و فهم مفاهیمی همچون فرهنگ، تمدن، مدنیت و... بیان نماییم. این احساس زمانی تقویت می شود که رفتارهای روستایی که تاکنون تجربه حضور در شهر را نداشته است، در شهر مورد توجه قرار گیرد. شاخص و ملاک قضاوت ما شهرنشینان، برای سنجش قرابت و دوری رفتارهای افراد، در واقع رفتار خودمان است. به عبارت بهتر، چنانچه کسی نظیر ما رفتار کرد، برخوردار از فرهنگ و در صورت تفاوت بی تمدن قلمداد می شود. حال باید دید که معیار مدنیت چیست. در این

زمینه به زعم فیلسوف معاصر، ویل دورانت، کشاورزی به عنوان فعالیت غالب در روستاها عین مدنیت است. و باید در جهت تحقق این امر تلاش کرد.

۸- حمایت از تولیدات بخش کشاورزی و ایجاد اطمینان و تضمین اینکه در بخش کشاورزی می‌تواند درآمد مناسبی داشته باشد با تقویت این بخش انگیزه فروش زمین‌های کشاورزی کم خواهد شد.

۹- بالا بردن سطح درآمد کشاورزان: موثرترین مولفه‌ها در این راستا، بهبود شیوه بهره برداری از اراضی کشاورزی، ارتقاء سطح مکانیزاسیون، اصلاح شیوه آبیاری، بهینه سازی نهاده‌های کشاورزان و بالا بردن سطح دانش کشاورزان می‌باشد.

۱۰- نظارت و کنترل دقیق و مستمر نهادهای ذیربط نهادها و سازمان‌های که مسئولند همچون سازمان حفاظت محیط زیست-جهادکشاورزی، بنیاد مسکن- نظارت دقیق به تهیه طرحهای روستایی و شهری و نظارت دقیق تر بر اجرای آن طرح‌ها.

منابع و مراجع

- [۱] آسایش حسین، ۱۳۸۶، مفهوم شهر و روستا نشریه دهاتی ۴۶
- [۲] آسایش، حسین؛ ۱۳۸۱، اصول و روشهای برنامه ریزی، انتشارات پیام نور، ص ۱۱۱.
- [۳] ابراهیم زاده، عیسی، نصیری، یوسف، ۱۳۸۶، شهرنشینی شتابان: روندها و پیامدها نشریه اطلاعات سیاسی اقتصادی شماره ۲۳۷
- [۴] البویه دولفوس ۱۳۷۳ فضای جغرافیایی ترجمه سیروس سهامی، نشر نیکا
- [۵] بیابانگرد. اسماعیل، ۱۳۸۲، روشهای تحقیق در علوم انسانی و اجتماعی، تهران، موسسه کتاب مهربان نشر،
- [۶] رهنمایی، محمدتقی و شاه حسینی، پروانه، ۱۳۸۳، فرایند برنامه ریزی شهری ایران، انتشارات سمت
- [۷] سرایی، محمدحسین و اسکندری، محمد، ۱۳۸۶، تبدیل روستاهای بزرگ به شهرهای کوچک و نقش آن در تعادل بخشی ناحیه ای، مجله جغرافیا و توسعه شماره ۱۰ پاییز و زمستان صص ۱۸۲-۱۶۵
- [۸] شکویی، حسین، ۱۳۸۳، دیدگاههای نو در جغرافیای شهری، انتشارات سمت ۱۳۸۳
- [۹] ضیا توانا، محمدحسن و امیر انتخابی، شهرام، ۱۳۸۶، تبدیل روستا به شهر و پیامدهای آن در شهرستان تالش، مجله جغرافیا و توسعه شماره ۱۰ پاییز و زمستان
- [۱۰] طاهر خانی، حبیب الله ۱۳۷۸، مقاله‌ای تحت عنوان «تبدیل روستاهای بزرگ به شهر نگاهی به یک سیاست، مجله شهرداریها شماره ۵
- [۱۱] طاهر خانی، مهدی و همکاران، ۱۳۸۴، مطالعه روابط متقابل شهروستا و نقش آن... نشریه رشد آموزش جغرافیا ۶۷
- [۱۲] علی الحسینی، مهران، ۱۳۸۵، شهر، روستا تضاد یا تفاهم؟ نشریه علوم مهندسی دانشگاه علم و صنعت شماره ۴
- [۱۳] فنی، زهره ۱۳۸۴، شهرهای کوچک رویکرد دیگر در توسعه منطقه ای. انتشارات سازمان شهرداری
- [۱۴] ماکس، درثو ۱۳۷۴ جغرافیای انسانی، ترجمه سیروس سهامی، انتشارات راین
- [۱۵] مرکز آمار ایران
- [۱۶] مطیعی لنگرودی، سید حسن، ۱۳۸۴، جغرافیای اقتصادی ایران (کشاورزی) جهاد دانشگاهی، چاپ سوم
- [۱۷] مهندسین مشاور D.H.V از هلند، ۱۳۷۱، رهنمودهایی برای برنامه ریزی مراکز روستایی ترجمه سید جواد میر و دیگران، انتشارات مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی جهادسازندگی.
- [۱۸] نظریان، اصغر ۱۳۶۵ سیر تحول روابط شهر و روستا در ایران، مجموعه مقالات سیمینار جغرافیایی، انتشارات پژوهشهای اسلامی استان قدس رضوی. ص ۲۶۹